فرقه‏سازي در جهان معاصر

دکتر شفيعي سروستاني‏

مقدمه‏

متن پياده شده حاضر درصدد ارائه تصويري جامع و روشن از استراتژي آشکار وپنهان دشمن، تحت عنوان (فرقه‏سازي اسلامي در جهان معاصر) مي‏باشد گوينده دربيان مواضع خود با رويکردي راهبردي ماهيت، اهداف، اصول، روش‏ها و ابزار اين موج‏خزنده را در گستره جهان اسلام و بالاخص کشور عزيزمان ايران، مورد بررسي و تحليل‏قرار داده و چگونگي مقابله مؤثّر با آن را تبيين نموده است. متن حاضر سخنراني مديرمؤسسه فرهنگي موعود جناب آقاي دکتر شفيعي سروستاني است که در تاريخ 1387/ 10 / 2 در بين اساتيد، دانشجويان و کادر مجتمع آموزش عالي شهيد محلاتي در قم ايرادگرديده است. (با تشکر از آقاي حسين مهربان که در پياده کردن نوار، فصلنامه را ياري‏کردند)

اَللّهم إنَّا نَرْغَبُ اليک في دولةٍ کَريمه، تُعِزُّ بها الْاِسلام واَهْلَه و تُذلُّ بها النِّفاقَ واَهْلَه و تَجْعَلُنا فيها مِنَ الدُّعاةِ الي طاعتک والقادة الي سبيلک و ترزقنا بها کرامة الدنياوالاخرة.

ابتدا عرض سلام و ادب دارم خدمت حضرت ولي عصر (ارواحنا فداه) وهمه شما عزيزاني که امروز، مجالي به وجود آمد تا در خدمتتان باشم. عنواني که‏امروز براي بنده انتخاب شده، موضوع عمومي (فرقه‏سازي اسلامي در جهان‏معاصر) مي‏باشد. بررسي و تجزيه و تحليل جامع اين مبحث به 5 تا 6 جلسه‏نيازمند است، وليکن در حدّ مقدورات و فرصت موجود به موضوع مي‏پردازيم وسعي خواهم نمود، تا لااقل دريچه‏اي مقابل چشمان شما عزيزان گشوده تامجال براي مطالعه و کنکاش دقيق‏تر برايتان فراهم آيد.

بنابراين صحبت امروز من پنجره‏هاي مختلفي است که بر روي فرقه‏سازي‏استعمار در جهان معاصر گشوده مي‏شود، عبارت بسيار زيبايي هست از(سُونِ وو sonewoo) که در کشور ما به (سون تزو soneteso) معروف‏است، وي يکي از استراتژيست‏هاي قديميِ نظامي کشور چين به شمار مي‏آيد.استراتژي‏هاي او بعد از 2500 سال هم‏اکنون نيز در دانشکده‏هاي مطالعات‏استراتژيک دنيا تدريس مي‏شود. طرّاحي و شاکله استراتژيک حمله آمريکا ومتحدين او به عراق براساس نظريه‏هاي اين انديشمند چين ترسيم شده بود.آقاي (سون وو) دو عبارت معروف دارد:

1. در مسائل نظامي اين مطلب يکي از اصول است که فرض را بر نيامدن‏دشمن نبايد گذاشت، بلکه بايد درباره سرعت مقابله با دشمن انديشه کرد.

2. نبايد با اين فکر به آرامش برسيم که دشمن حمله نمي‏کند، بلکه بايددرصدد شکست‏ناپذير شدن خود باشيم.

اين دو عبارت ساده دو استراتژي مهم، براي آناني است که مي‏خواهندکشوري را مديريت کرده يا مملکت‏داري نمايند.

در بخش‏هايي از آثار اين استراتژيست بزرگ شش طرح براي نابودي دشمن وانفعال حريف ارائه گرديده است، با نگاهي ژرف به استراتژي‏هاي او درمي‏يابيم‏طي 30 سال گذشته و بعد از پيروزي انقلاب اسلامي چه تعداد از آنها در ايران‏اتفاق افتاده و عليه اين سرزمين به کار رفته است:

1. گاهي از اطراف حکام، عقلا و افراد صاحب فضيلت را دور کنيد تا مشاورنداشته باشند.

2. خائنيني را به کشورشان بفرستيد تا بنيان اداره وي را برکَنَند.

3. به کمک فريب‏کاران مزوّر وزيران را از حاکمان ]دشمن‏[ جدا کنيد تامُشير و مُشارِ قوي و آگاه نداشته باشند.

4. پيشه‏وران زبردست را به کشور مقابل بفرستيد تا مردم را به اسراف‏تشويق کنند.

5 . موسيقي‏دانان و رقاصان گستاخ و بي‏عفّت را به وي ]حاکم دشمن‏[عرضه کنيد تا عادت‏هاي او را دگرگون کنند.

6 . به آنان زنان زيبا بدهيد تا عقل از سر آنان بربايند.

شرق، مرکز آماج غرب‏

اين يک روي سکّه است امّا روي ديگر توجّه به يک سيبل است، که از آن باعنوان (سيبل دشمني) مي‏توان ياد کرد، شرق بزرگ شامل بخش شرقي‏درياي مديترانه تا مرز چين از قديم الايام تاکنون همواره در برابر غرب موردهجمه بوده و پيشينه آن، تاريخي به عمق و وسعت 3000 (سه هزار) سال راشامل مي‏شود. در ادبياتِ مستشرقيني چون (ادوارد سعيد) به اين مطلب‏توجّه شده که، غرب همواره به شرق از روي کينه و حسد نگريسته است. شرق بااين همه گستردگي از لحاظ فکري و فرهنگي، يکدستي متناسبي ندارد به‏عنوان مثال ايران، عراق، ترکيه، لبنان، هندوستان، چين و پاکستان اگرچه دروجوهي داراي مشترکات فرهنگي مي‏باشند (مخصوصاً در باور به عالم‏ماورايي و متافيزيک) امّا يکدست نيست. در اين جغرافياي وسيع و به فراخورموضوعِ مورد بحث، شاهد وجود 4 حلقه مي‏باشيم:

حلقه اوّل؛ که تمام گستره جغرافياي شرق را شامل مي‏شود؛

حلقه دوّم؛ شامل کشورهايي است که در منطقه خاور ميانه واقع شده‏اند،کشورهاي اسلامي که نسبت به پهنه وسيع شرق محدودتر و خاص‏تر مي‏باشنددر اين حلقه قرار مي‏گيرند. در اين منطقه مفاهيم معنوي و ادبيات شرقي‏وَحياني ساري و جاري مي‏باشد.

حلقه سوّم؛ در اين قسمت ايران، عراق، لبنان به عنوان نقاط مشخص واستراتژيک آن محسوب مي‏شوند، غربي‏ها در تحليل معادلات سياسي ومنطقه‏اي خود از آنان به عنوان (هلال شيعي) نام برده‏اند.

حلقه چهارم؛ مرکزيت اين جغرافياي خاص يعني هلال شيعي ايران است‏در واقع بدون هيچ‏گونه تعصّب مذهبي و ناسيوناليستي خالص‏ترين دريافت ازمبدأ و معاد و تعلّقات وحياني منحصر به اين نقطه مرکزي مي‏باشد. از قديم الايام‏تاکنون اين نقطه مراد و مطلوب انديشه‏هاي استعماري غرب به شمار آمده و به‏مانند سيبلي که تير به سويش پرتاب مي‏شود اين نقطه مرکزي هدف اصلي بوده‏است. (اگرچه حلقه‏هاي دوّم و سوّم هم امتيازاتي داشته‏اند) اين حلقه مرکزي‏قبل از اينکه حامل سرمايه خاکي يا زيرخاکي باشد حامل خالص‏ترين و ناب‏ترين‏حوزه فکري و نظري است که همواره در تقابل با استکبار قرار گرفته و با اين مشخصه‏بارز متجلّي مي‏باشد. با اين تعريف حقيقت شرق يعني تفکّر وحياني، وِلايي‏متّصل به اهل بيت عصمت و طهارت(ع) که به صورت خالص درجريان‏سازي فکري و فرهنگي شيعيان در اعصار مختلف بروز يافته، در اين‏منطقه به منصه ظهور رسيده است. از اين روي فهم کينه و حسد تاريخي غرب وتجميع استراتژي‏هاي بازدارنده، سرکوب‏گرايانه و تشتّت‏آفرين معطوف به اين‏پتانسيل و توانايي عظيم بوده و خواهد بود. با اين تعاريف بهتر است اين‏جغرافياي مقدّس را (شيعه خانه امام زمان(عج) ) بناميم، در باز تعريف وفلسفه وجودي اين عنوان به بيان داستاني مي‏پردازيم:

يکي از بزرگان در جريان ماجرا؛ و سفري به محضر حضرت ولي عصر(عج()ارواحنا فداه) شرفياب مي‏شود در اين ديدار و ملاقات زماني که اسم ايران درمقابل آن حضرت برده مي‏شود، امام مي‏فرمايند: ايران شيعه خانه ماست، خطرهست، سختي هست، (امّا) نمي‏گذاريم بريزد.

بنابراين اين منطقه در سه مقطع گذشته، حال و آينده بزرگ‏ترين نقش‏آفريني‏را در صحنه تاريخ ايفاء نموده و خواهد نمود و در سرانجام تاريخِ بشر نقش‏حياتي خود را به زيباترين وجه عملي خواهد ساخت، يعني زماني که واقعه شريف‏ظهور، حقيقت ناب شيعه به وقوع مي‏پيوندد.

همچنين از روايات اينگونه استفاده مي‏شود:

ياران امام عصر(عج) جوانند، فرماندهان نظامي، مشاوران و وزيران آن‏حضرت ايراني هستند.

با اين حال وقتي منطقه‏اي از هر حيث از نظر جغرافيايي، قومي، تاريخي،سياسي داراي موقعيّت استراتژيکي خاص بوده و خالص و ناب‏ترين جريان‏فکري را نيز در گستره خود به وديعه دارد، پس تحمّل بيشترين سختي‏هابرايش امري بديهي است.

هشدار درباره تلاشهاي دشمنان‏

تا زماني که انسان در آسايش و اطمينان کامل به سر مي‏برد و بيم و هراسي ازمخاطرات پيش روي خود ندارد، بدون درد و بي‏انگيزه فرصت‏ها و امکاناتش رابه هدر مي‏دهد، امّا زماني که احساس نا امني در وجود انسان رخنه کرد، به فکرچاره و درصدد پي‏ريزي سدّي براي مقابله با حوادث حال و آينده خواهد بود ولحظه‏اي آرام نخواهد نشست.

بنابراين چطور ممکن است در حالي که هنوز جهان در خوف و نا امني به دور ازامام معصوم(ع) به سر مي‏برد، براي آن احساس امنيت تصوّر نمود؟ يا در حالي‏که هنوز اولاد يهود بر مقدورات و مقدّرات انسانها حکم مي‏رانند با آرامش غرق درلذايذ زندگي مادّي در خوابي عميق به سَر بُرد؟

در حالي که همه چيز حتّي تلفن‏هاي معمولي ما رصد و شنود مي‏شوند ودو دقيقه از يک گفتگوي راديويي و تلويزيوني در خاور ميانه و يا مقاله کوتاهي‏عليه يهود، بني‏اسرائيل و صهيونيسم سريعاً توسط سازمان اطّلاعات مرکزي‏آمريکا (سيا) شناسايي و در سايت مخصوص آنها منعکس مي‏شود آياصحبت از امنيت و آرامش سخني به گزاف نخواهد بود؟

من در يک برنامه کوتاه تلويزيوني که از شبکه شش سيماي جمهوري‏اسلامي ايران پخش گرديد، تعريف ساده‏اي از جنگ آخر الزماني مسيحيان‏صهيونيسم داشتم، اين مطالب به فاصله کمتر از يک روز دقيقاً و مو به مو باهمان صلابت در سايت سازماني سيا منعکس گرديد. با اين اوصاف آيا امنيّت وآرامش در اين فضاي متلاطم محلّي از اِعراب خواهد داشت؟

در حالي که طي 7 ماه گذشته دويست فرقه شبه مذهبي طرّاحي و ساخته‏شده کدام روحاني و مبلغ مي‏تواند احساس امنيت و آرامش داشته باشد؟

در حالي که چهل هزار 40,000 سايت ضد شيعي توسط وهابيت درصددتشويش افکار و شکاف در بنيان‏ها و گرايش‏هاي شيعي بوده و به شبهه‏پراکني ودسايس مختلف مشغولند آيا مي‏توان از وجود امنيت سخن گفت؟

فقط در سايتي متعلّق به يکي از شاهزاده‏هاي سعودي 28,000 جلد کتاب‏بر ضد شيعه جمع‏آوري شده است! طي سال‏هاي اخير به نسبت 14 قرن‏گذشته بيش از 2 برابر و نيم کتاب و اثر تأليفي بر عليه شيعيان تدوين و چاپ‏گرديده است. مدّتي قبل شبکه ماهواره‏اي و ضد شيعي (اَلْخَميس) به‏زبان فارسي راه‏اندازي گرديد، اين در حالي است که کلّ سايت‏هاي شيعيان برروي شبکه جهاني اينترنت از 5000 سايت تجاوز ننموده و تنها 2000 مورد آن‏قابل استفاده و مشاهده مي‏باشد.

با اين توضيحات اگر از امروز به فکر چاره باشيم در اين برآورد خواهيم ديدکه تنها در شبکه جهاني اينترنت سي و پنج 35/000 سايت فاصله داشته وعقب هستيم.

از سوي ديگر براساس آخرين آمار و اطّلاعات موجود فقط بيش از10,000 شبهه توسط وهّابيون عليه شيعه تهيّه و پخش شده است. حال‏ببيند اگر بخواهيم از همين امروز فقط در ارتباط با وهابيّت، به اين شبهات درمقام پاسخ و انتقال مفاهيم، متناسب با سنين نوجوانان، جوانان و گروههاي‏اجتماعي خود برنامه‏ريزي نموده و تدارک وسايل مورد نياز را بنمائيم در چه‏شرايط و وضعيتي قرار مي‏گيريم.

به واقع اين فرصت براي وهابيون در سراسر جهان از فضاي بِکْرِ به وجودآمده توسط انقلاب اسلامي ايران فراهم آمده است، آنان با تأسيس مسجد،مدارس ديني اعزام مبلّغين، وعاظ يا تبليغ در پوشش مراکز خيريّه، کشورهاي‏اروپايي و اسلامي را به تسخير خود درآورده‏اند. با اين تعريف نفوذ و تصاحب هرپايگاه در کشورهاي اروپايي و به عبارتي در سراسر جهان يعني مرکزيتي براي‏مقابله با فرهنگ و تفکّر ناب شيعي و ولايي، با اين تعريف استراتژي پيچيده ومزوّرانه وهابيّون قابل شناسايي است. هدف از بازگو کردن اين صفحات،برجسته‏سازي و بزرگ‏نمايي دشمن نيست بلکه منظور تذکّر و تلنگري برتنبلي‏ها و سستي‏هاي ماست، تا در برابر تاکتيک‏هاي خزنده و پنهان دشمنان‏خود هشيار بوده و از غفلت برحذر باشيم. براساس آخرين آمار و اطّلاعات به‏دست آمده چهار هزار 4,000 فرقه شبه مذهبي در جهان وجود دارد که دو هزارو پانصد 25,000 فرقه رسماً به ثبت رسيده‏اند، همچنين از اين تعداد تنها درايالات متحده آمريکا بيش از هزار 1000 فرقه در انگلستان هفتصد 700 فرقه‏و در سوئد و نروژ بيش از 100 يکصد فرقه به ثبت رسيده است.

در طي چند سال اخير در کشورهاي اسلامي از جمله ايران عموم فرقه‏ها ونحله‏هاي پيشين احياء شده‏اند، که اين خود تأمّل و توجّه ويژه‏اي را مي‏طلبد.از سوي ديگر در اوّلين سال از قرن جديد يعني قرن بيست و يکم، استراتژي‏مسيحيّت تحت عنوان (مسيحي کردن آسيا) رسماً اعلام گرديد، اين درحالي است که قرن بيستم نيز با همين استراتژي تحت عنوان (مسيحي کردن‏آفريقا) آغاز شده بود.

نتيجه اين فرايند در اواخر قرن بيستم، مسيحي شدن بخش بزرگي ازآفريقا و تأسيس بيش از 200,000 مرکز توزيع آثار مسيحي و اشاعه فرهنگ‏مسيحيّت در اين قارّه مي‏باشد.

تا چند سال پيش فيليپين کشوري در منطقه شرق آسيا با حداکثرجمعيّت مسلمان شناخته مي‏شد، امّا هم‏اکنون جمعيّت حداکثري آن رامسيحيان تشکيل مي‏دهند.

عوامل زمينه‏سازِ فرقه‏سازي‏

در ادامه بحث براي بازشناسي فرقه‏هاي موجود و کشف علل و عوامل‏زمينه‏ساز در بسط و گسترش آنان توجّه به اين موارد ضروري است:

1. خستگي و فسردگي بشر از تکنيک، تکنولوژي، ماشين وضعيت که از نيمه‏دوّم قرن بيستم بروز و ظهور يافت، اين چرخش توجّه بشر غربي را به سوي‏عالم معنا، معنويت و مذهب معطوف ساخت. آمار سازمان‏هاي غربي نشان‏مي‏دهد که در دهه 1990 م هفتاد و پنج درصد مردم آمريکا از نو غسل تعميدانجام داده و خود را ملزم به انجام تعاليم مسيح دانسته‏اند. همچنين آمارها درسال‏هاي 1992 و 1991 م نشان مي‏دهد از بين هشتاد و پنج درصد کساني که‏به جهان آخرت معتقدند و گرايشات مذهبي دارند چهل و پنج درصد خود رامکلّف به حضور در کليسا در روزهاي يکشنبه مي‏دانند.

2. ظهور و بروز بن‏بست‏ها و بحران‏ها در غرب: در کشورهايي چون آمريکا وانگلستان گفتگو در خصوص آخرالزمان از مباحث ساري و جاري آنها مي‏باشدبه عنوان مثال اوّلين فيلم ساخته شده درباره جنگ‏هاي آخرالزمان که به‏اعتقاد و باور آنان زمينه‏ساز ظهور مسيح خواهد بود، فيلم (آرماگِدون)محصول کشور آمريکا ساخته شده به سال 1923 ميلادي بود همچنين آخرين‏فيلم مدّتي قبل در آمريکا با عنوان (بابِل بعد از ميلاد) با موضوع آخر الزمان‏و ظهور اکران گرديد. با اين مقدمه بروز بحران‏ها و بن‏بست‏هاي اجتماعي،سياسي و اقتصادي زمينه‏ساز حرکت آنان به سوي آخرالزمان، ظهور و مسيح‏گرديد. اين موضوع آنقدر در کشورهاي غربي مخصوصاً آمريکا شايع بود، که دردهه 1990 م بالاي شصت درصد از پرفروش‏ترين فيلم‏هاي اکران شده باموضوع و مفهوم آخرالزمان و ظهور مورد استقبال و توجّه مردم قرار گرفته‏اند.

از همان زمان که ميل به مذهب و کشش معنوي در غرب به وجود آمد،مسيحيان پروتستان نسبت به تأسيس مراکز فرهنگي، علمي و رسانه‏اي باچنين رويکرد اقدام نمودند.

بر همين مبنا 1550 شبکه راديويي و تلويزيوني تأسيس گرديد، سپس‏مبلغين زبردست با بهره‏مندي از فضاي موجود، 257 کالج و دانشگاه را به‏منظور بسط و گسترش اين موضوعات، در سراسر جهان احداث و با برنامه‏ريزي‏دقيق نسبت به جذب و تربيت دانشجو، متربّي و مُبلّغ و اشاعه اهداف‏فرهنگي خود اقدام نمودند.

(اين در حالي است که در خصوص موضوعات فوق در کشورهاي اسلامي‏بالاخص ايران، حتّي دو واحد درس اختياري تعريف نشده است؛ اوج دردآنجاست که حتّي دانشجويان رشته الهيات و معارف اسلامي ما نيز از اين‏مبحث مهم بي‏بهره هستند!)

همه اينها پرده از اين موضوع برمي‏داشت که جهان مستعدّ گرايش به عالم‏معنا و مذهب شده است، به وجود آمدن فرقه‏ها نيز حاصل طلب و تمناي مردم‏تشنه غرب بود، تا به هر طريق عطش سوزان خود را با جرعه‏اي آب حتّي اگرخالص و ناب نباشد، برطرف نمايند.

در چنين اوضاعي گردانندگان پشت پرده و اصلي معادلات جهاني يا بايد دربرابر اين استقبال عمومي سکوت اختيار مي‏کردند يا به نقشه و ترفندي جديدمتوسّل مي‏شدند، ا ين در حالي بود که آرام آرام در اين غريبستان گرايش به‏اسلام نيز خود را نشان مي‏داد، تا جايي که طبق آمارهاي خودشان طي بيست‏سال آينده جمعيت حداکثري اروپا مسلمان خواهند بود. به عنوان مثال پس ازبلواي فراگير در کشورهاي جهان به جهت چاپ کاريکاتورهاي توهين‏آميز مجله‏دانمارکي، در همان سال و با آغاز سال جديد مسيحي بيشترين تيراژ هدايايي‏که بين مردم دانمارک توزيع و ردّ و بدل گرديد، قرآن کريم بوده است.

در کشور هلند نيز پس از ساخت فيلم سينمايي (فتنه) ظرف مدّت دوروز از آغاز اکران فيلم، تمام نسخه‏هاي الکترونيکي قرآن در کتابخانه‏هاي اين‏کشور، ناياب گرديد.

در همان ايام کشيشي مقابل صومعه‏اي در آلمان خود را به آتش کشيد و به‏نشانه اعتراض فرياد برآورد (اي اهالي کليسا چه نشسته‏ايد که اسلام در حال‏تسخير اروپاست.) در اين اثنا رندان پشت پرده در تجزيه و تحليل خود به اين‏نتيجه رسيدند که در صورت ادامه اين گرايش از آنها چيزي باقي نخواهد ماند،آنان ساليان سال، مردم را به سوي ماترياليسم، سوق داده، معتاد و مبتلاي‏سِکولاريسم ساخته بودند. آنان براي رسيدن به حکومت جهاني، طرح ونقشه‏هاي فراواني، تئوريزه و ترسيم نمودند، وليکن به يکباره تمام آنچه را که درمُخَيّله خود داشتند، نقش بر آب مي‏ديدند، بنابراين از خانه سياه يهود، يعني‏صهيونيسم و سازمان‏هاي مخفي اروپايي و آمريکايي جريان فرقه‏سازي براي‏مسدود سازي و انحراف اين گرايش عمومي سربرآورد و در کوتاه‏ترين زمان‏ممکن، تعداد آنها به 4000، فرقه شِبه مذهبي رسد و توانست، سراسر جهان رادر تار و پودِ ويرانگر و دام اَفسونگرِ خويش گرفتار سازد.

اين فرقه‏ها، در مباحثي با يکديگر مشترک و عموماً فاقدِ روحيّه جهادي‏مي‏باشند. يعني بيگانه از سؤال، انتقاد و اعتراض و داراي زمينه‏هاي لازم براي‏ارضاي نفسانيات، عشق و حال دنيوي و نفساني براي دلباختگانِ خود هستند.

در واقع اين دسيسه مي‏توانست، بهترين راهبرد براي خنثي‏سازي مذاهب وگرايشات مذهبي به شمار آيد. در ايران نيز، با بررسي خصوصيات و رفتارهاي‏جواناني که به اين فرقه‏ها متمايل شده‏اند، مشاهده مي‏شود که ابتدا روحيه‏سؤال نمودن و حرکت از آنان سلب، سپس انديشه سکولار و دنيامدار درشخصيت آنان نهادينه شده است. کاري به دخالت و حضور دين در عرصه عمل‏اجتماعي ندارند، تا چه برسد به مديريّت اجتماعي آن. از اين مطلب نبايد غافل‏شد که واقعه انقلابِ اسلامي در اين ماجرا، بسيار مَدخليّت داشته، زيرا طي‏چهارصد سال گذشته، تنها جرياني است که به نامِ دين ادّعاي حضور درمديريّت کلان را مطرح نموده است. اين در حالي است که بعد از تحوّلات واصلاحاتِ عصرِ (رنسانس) طي چهارصد سال، غرب کليسا را در حاشيه وانزوايي محض فرو بُرد، و آن را در منطقه‏اي به نامِ (واتيکان) محصورساخت.

در نتيجه، مذهب و انسانِ مذهبي از حضور در ميدانِ عملِ اجتماعي،سياست و مديريّت کلان محروم گرديد. انقلاب اسلامي ايران با فريادِ رساي‏خود اين قفل را شکست و ضمن انکارِ اين تفکّر، قالب و تعريفي جديد ازبازآفريني نقش دين ارائه نمود.

در تعريفي ديگر، اين فرقه‏ها براي بر کشيده شدنِ سازمان‏هاي اجتماعي ومديريّت مسلمين در عصر غيبت، اساساً سخني ندارند، در عموم اينها،ذلّت‏پذيري، انفعال و خودباختگي در برابر فرهنگ و تمدّن غرب مشهوداست. در بازخوردِ اين جريانات و تبعاتِ آنها در کشورهاي عربي درمي‏يابيم، دراين قلمرو وسيع، از مسلماني تنها اسم و نامي بر جاي مانده است و تماميّت‏حوزه اجتماعي، سياسي، تمدّني، معماري و شهرسازيِ عَرَب در برابر غرب،سر تعظيم فرود آورده و دستان خود را به علامت استيصال بالا برده است. اين‏فرقه‏ها، در برابر هر نوع احياگري ديني مقاومت کرده و اساساً در تعليمات ومتعلّقات خود سخني از اين انديشه بنيادين بر زبان جاري نمي‏سازند. عموماًاين فرقه‏ها با رويکردِ فعّالِ فرهنگي و تفکّر شيعي عناد داشته و مي‏ستيزند،چون تنها در حوزه فکري و فرهنگ شيعي، زمينه‏هاي مقبوليّت و تبعيّت ازغرب، زير سؤال رفته و نفي شده است.

در واقع تشيُّع، عصر جديد و بناي نوبنياد ديگري را در برابر چشمان‏حقيقت‏طلبان عالم، ترسيم مي‏نمايد.

مأموريت فرقه‏هاي تأسيسي‏

در اين قسمت، مأموريت‏هاي پنج‏گانه فرقه‏ها و نحله‏هاي تأسيسي را به‏اجمال بيان مي‏کنيم:

1. آنها مأموريت دارند، حيثيّت معنوي را از آموزه‏هاي ديني بگيرند، يعني‏آموزه‏هاي ديني را تا آنجا که ممکن است سکولار نمايند.

2. آنها مأموريت دارند، در صفوف مسلمين يعني جماعتي که حامل اديان‏حقيقي هستند رَخنه و شکاف ايجاد کنند.

3. آنها مأموريت دارند تا با شبهه‏افکني در مباني اعتقادي مردم و اغفال‏جوانان، حرکت و اعتلاي جوامع اسلامي را با انزوا و چالشي سخت مواجه سازند.

4. آنها مأموريت دارند، تا با آلوده ساختنِ جوانان به موادّ افيوني و روابطنامشروع نسبت به تَخدير ذهن فعّال و انفعال و انحطاط اراده آنان، آينده‏اي‏مبهم و پوچ، براي اين نسل فراهم سازند. عموم فرقه‏ها از اين جهت جاذبِ‏جوانان هستند که براي آنها قائل به سهل‏گيري و تسامح و تساهل در روابط بوده‏و دختر و پسر، زن و مرد را به صورت مختلط پذيرفته و نسبت به اين امور تبليغ‏مي‏نمايند.

5 . آنها مأموريت دارند تا با پذيريش، تربيت و استحاله مريدان خود از آنان‏به عنوان ستون پنجم استفاده نمايند. بخش زيادي از اطّلاعات امنيّتي،اجتماعي و صنعتي از طريق اين فرقه‏ها و اعضاي آنان به دشمنان منتقل شده‏است، در واقع هدف دشمنان، منفعل ساختن و تسليم نظام اسلامي در برابرخواسته‏هاي نامشروعشان مي‏باشد.

در گذشته، در کشور خودمان بهائيان، هنوز فرصت و اجازه نفس کشيدن‏پيدا نکرده بودند، امّا امروز در سازمان‏ها و مجامع بين‏المللي ادعا مي‏کنند که‏يک دين هستند و بايد در نظام اسلامي، به رسميّت شناخته شوند. به راستي،دفاع و به رسميّت شناختن بهائيان توسط کشورها و سازمان‏هاي غربي، جزاهدافِ مأموريتي و ستون پنجمي که برايشان پيش‏بيني شده چه توجيه‏ديگري مي‏تواند داشته باشد.

وظائف و برنامه‏هاي استعماري فرقه‏سازان در کشورهاي اسلامي‏

1. شناسايي، استحاله، حذف افراد و عناصر فرهنگي و علمي تأثيرگذار درکشورهاي اسلامي. (طي چند سال اخير، در کشور عراق ميان بَلوا و شورشها،بي‏سر و صدا بالاي 1400 نفر از افراد طراز اوّل فرهنگي و علمي اين کشور، به‏قتل مي‏رسند. چرا؟ چون که عراق ممکن است ظرف مدّت پنج سال از نظراقتصادي بازسازي شود و يا بعد از چهار سال با تزريق پول، جاده‏ها،ساختمان‏ها، پُل‏ها و زيرساختهاي صنعتي اين کشور از نو ساخته شود. امّاهشتاد سال طول مي‏کشد تا امثال حکيم، صدر و ديگران بار ديگر متولد شوند،هشتاد سال طول مي‏کشد تا حوزه نجف بتواند، چهار نفر متفکر و نُخبه ديگر رادر دامنِ خود بپروراند. اين هشتاد سال، براي استعمار فرصت مناسبي است تااهداف خود را بدون هيچ مانع و سدّي به انجام رساند، زيرا مردم بدون رهبر وطلايه‏دار متفرق شده و راه به جايي نخواهند برد.)

2. شناسايي افراد تأثيرگذار در ساختار سياسي، اقتصادي و نظامي اين‏کشورها و القاء آراء و طرحهاي خود به مديران، سازمان‏ها و نهادها در صورت‏لزوم. در کشور عزيزمان (ايران) ، بسته به نقاط مختلف اجتماعي فرقه‏هايي‏وجود دارند در بعضي نقاط، استعداد گرايش به صوفيه، درويشي‏گري و خانقاه‏بازي مشهود است.

در مناطق ديگري، که گرايش به تمايلات آن سوي شط يعني کشورهاي‏عربي وجود دارد (عربستان) ، استقبال و تمايل به وهابيّت مشاهده مي‏شود.همچنين، در شهرهاي بزرگ که جاذبه‏هاي شهرنشيني و زندگي‏هاي شيک ومُجلّل به عنوان فرهنگي کاذب توسعه‏يافته، بهائيت و شيطان‏پرستي فعاليت‏دارد. اين دو فرقه، هم‏اکنون با انجام تبليغات مخفي و گسترده در حال‏عضوگيري جدّي هستند.

در اين زمينه دو گروه يعني زنان و جوانان، جزء آسيب‏پذيرترين گروه‏اجتماعي در ايران محسوب مي‏شوند. در ميان اينها، زنان و جوانان معلول،آسيب‏پذير، بي‏سرپرست و معتاد در تير رس مستقيم حمله اين فرقه‏ها قراردارند. ضمن اينکه در ايران، با توجه با تمايل و گرايش به سوي ظهور و مهدويّت،موضوع و ادعاي مهدويّت، مُنجي و بابيّت، همواره رواج داشته و از سوي‏فرقه‏ها مورد توجه قرار گرفته است.

از اين رو بايد هر يک از مناطق اجتماعي متناسب با اين گرايشات، شناسايي ومصونيت‏بخشي شوند. در حال حاضر در کشور عراق، بيش از 22 گروه مدّعي‏مهدويّت فعاليت مي‏کنند. در ايران نيز، دهها نفر مدّعي مهدويّت وجود دارد.يکي خودش را سيّد حسن، ديگري را سيّد يماني و ديگراني خود را نائب امام‏زمان(عج) مي‏دانند. تنها راه مصونيت‏بخشي اهتمام جدّي به نشر معارف‏حقيقي، زدودن شبهات، بسيج مبلغين کارآزموده و اعزام آنها به مناطق‏آسيب‏پذير مي‏باشد، تا با از بين بردن نقاط ضعف زنان، جوانان و اقشارآسيب‏پذير، آنان را از اين حريق نجات داده تا طعمه و هدف جريان‏هاي‏فرقه‏ساز نگردند.

بنابراين از آنجا که دين و حقيقت ديني به نوعي در صورت و حقيقت‏عبادات تجلّي مي‏يابد و آخرين مقصد و مأوا نيز انتظار و فرا رسيدن فصل ظهورحضرت ولي عصر(عج) مي‏باشد، لذا فرقه‏ها به اين دو موضوع توجّه فراواني‏معطوف داشته‏اند.

راه‏کارهاي مقابله‏

در اينجا چند پيشنهاد تحت عنوان (راهکارهاي مقابله) تقديم‏مي‏گردد:

1. با توجّه به کثرت اين گروهها و فرقه‏ها مي‏بايست نهضت بزرگي توسطدلسوزان سازماندهي شود، تا جسم و جان انسانها از اين شبهات پالايش گردد.بنابراين در اينجا مجاهده بزرگ فرهنگي، مدّ نظر است، در واقع بايد از نشانه‏رفتن دست اتهام خود به سوي ديگران، پرهيز نموده و هر کس به اندازه فهم وبضاعتِ خود مجاهدانه براي از بين بردن آسيب‏ها و پالايش جسم و جان اين‏سرزمين مقدس جانفشاني نمايد.

2. بايد معارف مهدوي به نحو درست، کامل و آراسته فرا روي مردم قرارگيرد تا مردم از اين همه انحراف، مصون مانده و در حريمي اَمن و آرام قرارگيرند.

3. تا مردم و جوانان‏طلبي نداشته باشند، به سوي موضوعي گرايش واستقبال از خود نشان نمي‏دهند. لذا از طريق بستن، گرفتن، قفل کردن و نيروي‏نظامي راه به جايي نخواهيم برد، وقتي جوانان زيادي در هواي رسيدن به‏معرفت و به قول خود نشان (عرفان) به راه مي‏افتند، و در کلاس‏هاي‏آموزشي بي‏محتوا حضور مي‏يابند حکايت از آن دارد که در اين ميان خلأيي‏وجود دارد، از اين رو بايد علماي بزرگوار دين، مراکز فرهنگي و ديني وانديشمندان دورانديش در راستاي طلب جوانان و برآوردن نياز آنان تحت لواي‏دين مبين اسلام و معارف حقّه تشيّع حرکت نمايند تا زمينه‏ها براي حيات‏اين فرقه‏ها از بين برود. به اميد تحقق اهداف پيش روي و مهيا شدن زمينه‏هاي‏ظهور حضرت ولي عصر امام زمان (ارواحنا فداه) به درگاه ايزد متعال دعامي‏کنيم.